خبر

حمایت از پلتفرم‌ها هدف برگزاری نمایشگاه «رصتا»

برنامه «گفت‌وگوی فرهنگی» با موضوع فرصت‌های پیش‌روی رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در کشور، با حضور حمیدرضا نوابی دبیر نمایشگاه رصتا و سیدمصطفی میرجمال‌الدین مدیر پلتفرم دوبلتون از رادیو گفت‌وگو پخش شد. به گزارش روابط عمومی ساترا، حمیدرضا نوابی مدیر تنظیم فضای رقابت ساترا و دبیر نمایشگاه رصتا با اشاره به این‌که ماهیت این نمایشگاه، معرفی سکوهای صوت و تصویر فراگیر است، گفت: نمایشگاه محل نشان‌دادن محصولات و دستاوردهای رسانه‌های دارای مجوز و جایی برای تعامل با هم‌صنفان خودشان است. ما با برگزاری این نمایشگاه قصد داریم بخشی از نقشه عملیاتی خودمان را برای حمایت از رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر تکمیل کنیم. نوابی درخصوص برگزاری کارگاه‌های آموزشی تاکید کرد: یکی از برنامه‌های نمایشگاه رصتا برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی است. وی در پایان یادآور شد: ساعت کار نمایشگاه برای غرفه‌داران از ۸ تا ۱۸ و برای بازدیدکنندگان از ۹ صبح تا ۱۸ است. از آنجاکه اختتامیه نمایشگاه همزمان با نیمه‌شعبان است، برنامه‌ای ویژه تدارک دیده‌ایم و قرار است ویژه‌برنامه اختتامیه توسط شبکه پنج اجرا و ضبط شود و یک روز بعد، از همان شبکه بین ساعت ۲۰ تا ۲۲ پخش می‌شود. یکی از برنامه‌های اختتامیه، قدردانی از غرفه‌های برتر و رسانه‌های جمعی است که اخبار نمایشگاه را بهتر پوشش داده‌اند.

زاویه

دوست داشتنی‌های تلویزیون

مهدیه رضایی
گروه رسانه

کافی است کارنامه تلویزیون را ورق بزنیم، آن وقت است که متوجه عروسک‌های دوست‌داشتنی خواهیم شد، عروسک‌هایی که بچه‌ها کلی خاطرات خوب از آنها دارند و به‌واسطه برنامه‌های رنگارنگ تلویزیون راهی جعبه جادو و برای همیشه خاطره‌ساز شدند. حتی می‌توان گفت عروسک‌ها گاهی در محبوبیت و شهرت از بازیگران گوی سبقت را ربوده و در قلب کودکان و بزرگسالان چند دهه نفوذ می‌کنند.

عروسک‌ها گرچه ظاهری ساده دارند اما گاهی خود را به چنان جایگاهی می‌رسانند که ستاره چند برنامه پرمخاطب تلویزیون شدند و چهره معروف‌شان بر انواع محصولات فرهنگی و مصرفی جا خوش می‌کند. در این باره می‌توان به کلاه قرمزی، عروسک‌های شکرستان، جناب خان و... اشاره کرد. تجربه نشان داده کارهای عروسکی، هر وقت که در ساختار درست و با آدم‌های کاربلد این حوزه تولید شده‌اند به یکی از ساختارهای جذاب تلویزیون تبدیل شده‌اند. همچنین می‌توان گفت برخی مواقع پیش آمده که این عروسک‌ها در جذب مخاطب از سریال‌های درام و دیگر تولیدات تلویزیونی نیز پیشی گرفته‌اند.

اگر بخواهیم در این حوزه آرشیو ذهنی خود را مرور کنیم بدون تردید به مجموعه عروسکی خونه مادربزرگه به کارگردانی مرضیه برومند خواهیم رسید که کلی خاطرات با مادربزرگ، مخمل، مراد، آقا حنایی و گل باقالی خانوم، نبات و ... داریم. یا مجموعه خاطره‌انگیز کلاه قرمزی که پر از عروسک‌های جذاب و خاطره‌ساز بود. البته تعداد عروسک‌های ماندگار زیاد است. عروسکی به نام جناب خان با صداپیشگی محمد بحرانی در قالب یک برنامه بزرگسال ظهور کرد و توانست تا حدودی در دل مخاطب جای بگیرد که حضورش حتی از خود مجری هم پررنگ‌تر شود. شاید راز موفقیت عروسک‌های ماندگار همین است؛ این‌که می‌توانند هم برای مخاطب بزرگسال و هم مخاطب کودک به یک اندازه جذاب باشند.

چاق و لاغر به نویسندگی بیژن بیرنگ و ایرج طهماسب و تهیه‌کنندگی و کارگردانی مسعود رسام، به فاصله چند سال از «محله بروبیا» ساخته شد و توانست در اذهان کودکان دهه شصتی ماندگار شود. این مجموعه که در چند سری ساخته شد، ابتدا برای جشن‌های دهه فجر و در ایام دفاع‌مقدس تولید شد. چاق کنایه از صدام و لاغر رئیس کوچک کنایه از (آمریکا) و رئیس بزرگ کنایه از شیطان بود و این دو مأموریت داشتند تا جشن‌های دهه فجر را خراب کنند که همیشه ناکام بودند. سری اول مجموعه چاق و لاغر سال ۱۳۶۵ به کارگردانی مسعود رسام و ساسان امیرپور و به‌صورت عروسکی ساخته شد. از دیگر عروسک‌های ماندگار می‌توان به مدرسه موش‌ها، زی زی گولو، السون ولسون و... اشاره کرد.

در مجموع در سهم موفقیت عروسک‌ها، کارگردان، صداپیشه، عروسک گردان و ... مؤثر بودند. در واقع باید گفت همه گروه باید کارشان را درست انجام بدهند تا یک عروسک برای مخاطبان باورپذیر و شیرین شود.

نگاهی به عروسک‌های ماندگار تلویزیون که د

قهرمان‌های

زینب علیپورطهرانی
گروه رسانه

عروسک‌ها؛ این موجودات ابری، بی‌جان و بی‌آزار اما دوست‌داشتنی دیگر صرفا محبوب کودکان و به‌خصوص دختربچه‌ها نیست، بلکه برخی از آنها با دلبری‌شان توانسته قلب بزرگ‌ترها را نیز تسخیر کند. البته اگر با دیدن این گزارش به یاد فیلم «کلاه قرمزی» افتادید و عروسک دایناسوری که یک‌باره جان گرفت و بلایی شد بر سر کلاه قرمزی، باید بگویم که آن یکی استثناء بود. معمولا عروسک‌ها در دنیای فانتزی ما شخصیت‌های شیرین و دوست‌داشتنی است و با جانی که عروسک‌گردان‌ها و صداپیشه‌ها به آنها داد، تعدادی از آنها توانست به قلب تماشاگرها ورود کرده و ماندگار شود. البته در این میان

وقتی صحبت از دنیای عروسک‌ها می‌شود، همه خاطرات بسیار زیادی برای برای یکدیگر داریم، زیرا این خاطرات زیبا را جعبه جادو برای ما شکل داده است. البته تعداد کسانی که برای ما خاطره ساختند، زیاد است. همچنین عادل بزدوده را با خاطراتی که برای بچه‌ها ساخته، می‌شناسیم. او عروسک‌های بسیاری را برای دوران کودکی ما ساخته است؛ ازجمله زی‌زی‌گولو، پسرخاله، خونه مادربزرگه و شهر موشها. او در پاسخ به این سؤال که دلیل محبوبیت و ماندگاری برنامه‌های عروسکی گذشته چیست، به جام‌جم می‌گوید: عروسک ماحصل تفکر یک تیم بسیار کارکشته یعنی تهیه‌کننده، نویسنده، کارگردان، مدیر تولید، طراح و سازنده عروسک، صداپیشه و چالش‌های بسیار اساسی که در کارها بوده ساخته شده است. یعنی همگی سواد و تخصص این کار را داشتند.

نگاه ما به بچه‌های دورترین روستاها بود

وی ادامه می‌دهد: در آن دوران برای ما کار به این‌گونه تعریف شده بود که باید وظایف‌مان جلب بیننده فراتر از ایران باشد. این‌گونه نبود که فقط مخاطبان تهرانی را درنظر بگیریم؛ ضمن این‌که همه کارهای ما پیش‌تولید داشت و این چالش را همواره در پیش‌تولید داشتیم که سال‌ها بعد این کار ما چه دستاوردی خواهد داشت. یعنی نگاه بسیار جدی به این کار داشتیم و همگی با عشق کار می‌کردیم اما متاسفانه برای برخی کارها این اتفاق نمی‌افتد. ما که در آن زمان کار می‌کردیم، هیچ‌وقت اهل سرهم‌بندی نبودیم و نیستیم و نخواهیم بود.

بزدوده همچنین می‌افزاید: بیننده برنامه‌های تلویزیون که فقط تهرانی‌ها نیستند. ما مخاطبانی داریم که در شهرستان‌ها و روستاها کار می‌کنند. بنابراین نگاه ما در کار به دورترین روستاها هم بوده است. به همین دلیل هنوز هم آن برنامه‌ها و عروسک‌ها در ذهن مخاطب مانده است.

وی درباره انتقال پیام این برنامه‌ها به بچه‌ها در آن دوران هم عنوان می‌کند: هیچ‌کدام از پیام‌هایی که به بچه‌ها در این برنامه‌ها می‌دادیم به‌صورت مستقیم نبود. بچه‌ها را در فضا قرار می‌دادیم تا خودشان متوجه شوند. می‌توانم بگویم ما به بچه‌ها احترام می‌گذاشتیم؛ چون برای‌مان مهم بود. مسأله مالی اصلا در اولویت ما نبود و به نکات مهم‌تری در این زمینه فکر می‌کردیم. همین چیزها باعث می‌شد که عروسک‌ها ماندگار و محبوب شوند و هنوز هم مخاطب داشته باشند.

دانش و تجربه در این کار حرف اول را می‌زند

محمد لقمانیان سال‌هاست در زمینه صداپیشگی و عروسک‌گردانی فعالیت می‌کند. از مهم‌ترین آثارش می‌توان به صداپیشگی و عروسک‌گردانی بچه فامیل‌دور در مجموعه «کلاه قرمزی» اشاره کرد. وی درباره دلیل محبوبیت و ماندگاری عروسک‌های دهه‌های گذشته به جام‌جم می‌گوید: من فکر می‌کنم به شرایط مختلفی بستگی دارد. مثلا این‌که در سال‌هایی که این برنامه‌ها پخش می‌شد، تلویزیون فقط یکی دو شبکه داشت. از طرفی برنامه‌هایی که برای این گروه سنی ساخته شود هم تعدادشان کم بود. بنابراین هر برنامه‌ای که ساخته می‌شد به اصطلاح می‌گرفت و بچه‌ها دوست داشتند.

وی ادامه می‌دهد: نکته بعد این‌که به‌نظرم ایده‌های برنامه‌سازی در آن دوران بکرتر بود و برنامه‌سازها خلاق‌تر بودند. به همین دلیل هر کاراکتری که می‌آمد، برای بچه‌ها تازگی داشت و همین مسأله آنها را جذاب‌تر می‌کرد.

لقمانیان همچنین درباره گستردگی رسانه‌ها نیز بیان می‌کند: آنچه که در این میان حائزاهمیت است، علم تولیدکنندگان این آثار است. اگر می‌بینیم کاراکتری ماندگار نمی‌شود، مطمئن باشید که از تهیه‌کننده تا کارگردان علم و تخصص و تجربه آن کار را ندارند. اگر به شخصیت‌هایی که در گذشته وجود داشتند و برای بچه‌ها جذابیت داشتند، دقت کنید، متوجه می‌شوید که خالق آنها علم و دانش و تجربه این کار را داشتند. ضمن این‌که علاقه و عشقی که به این کار داشتند در کنار خلاقیت، باعث ماندگار شدن آن عروسک‌ها شده است. بنابراین دانش و علم آن کار خیلی مهم است و برخی از برنامه‌سازان ندارند.

صداپیشه مجموعه «شکرستان» تعجیل در ساخت چنین برنامه‌هایی را نیز در این میان حائز اهمیت می‌داند و می‌افزاید: تعجیل در تولید و مشکل زمان در این امر بسیار تاثیرگذار است. مثالی برای‌تان در این زمینه می‌زنم. آقای طهماسب پیش از ضبط، تمرین‌های بسیاری برای آن برنامه می‌گذارد تا ایده‌ها پخته شود. ضمن این‌که برای چنین هنرمندانی مخاطب خیلی مهم است. به همین خاطر کارهایی که آقای طهماسب و یا خانم برومند ساخته‌اند، مخاطبان بسیاری داشته و دارد.

کارگردان مجموعه «شوخی شوخی» در پایان درباره اهمیت تجربه و دانش صداپیشه و عروسک‌گردان نیز در جذب مخاطب می‌گوید: صداپیشه و عروسک‌گردان باید آدم‌های با دانش و با تجربه‌ای در زمینه کاری خود باشند تا آن عروسک را برای مخاطب زنده و باورپذیر کنند اما وقتی کارگردان و تهیه‌کننده دست آنها را برای کار باز نگذارد، تعجیل را ضمیمه کارش کند و آنها فرصت تمرین نداشته باشند، قطعا خروجی خوبی حاصل نخواهد شد. چون آنها نتوانسته‌اند خوب تمرین کرده و همدیگر را در تمرین‌ها پیدا کنند.

در ادامه این گزارش مروری کردیم بر برنامه‌ها و عروسک‌هایی که برای‌مان خاطرات رنگارنگی را ساختند.

یک مدرسه پر از موش

کمتر کودک و نوجوان دهه شصتی را سراغ دارید که با مجموعه «مدرسه موشها» خاطره نداشته باشد. همان مدرسه‌ای که پر از موش‌های دوست‌داشتنی بود که هرکدام تکیه‌کلامی داشت و معلم جدی هم داشت که با لحن و صدای خاصی مدام می‌گفت: «بنشینید بچه‌موش‌های عزیز». در کنار این معلم جدی اما با حوصله، بچه‌موش‌های شیرین و دوست‌داشتنی بود که هرکدام ویژگی‌های خاصی داشت.

مادربزرگ مهربان و بچه‌ها

یکی از ویژگی‌های مجموعه‌های عروسکی دهه‌های ۶۰ موسیقی تیتراژ بود. چیزی که هنوز هم با شنیدنش خاطرات آن مجموعه‌ها در ذهن تداعی می‌شود.

«خونه مادربزرگه» یکی از همین مجموعه‌ها بود که به‌واسطه موسیقی و شخصیت‌های جالبش همچنان جزو کارهای موفق تلویزیون در زمینه کودک محسوب می‌شود.

ماجرای این خانه از جایی آغاز می‌شد که مخمل گربه یکی‌یک‌دانه مادربزرگ، تنها همدم او بود اما با ورود خانواده آقا حنایی و گل‌باقالی‌خانم به همراه دو جوجه فرزندشان، آرامش خونه مادربزرگه برای مخمل به‌هم ریخت و مخمل درصدد بیرون کردن این خانواده بود.

ماجراهای یک قورباغه سبز

زنده‌یاد علیرضا توپچیان را شاید بتوان اولین بازیگری دانست که با عروسک دستکشی که یک قورباغه سبز بود، همزمان هم عروسک‌گردانی می‌کرد و هم مقابل دوربین بازی می‌کرد و هنوز هم با همان شخصیت مهربان و صبورش که حرف‌های قشنگی برای بچه‌ها می‌زد، در ذهن مخاطبان مانده است.

همچنین قورباغه سبز را می‌توان اولین عروسکی دانست که از پشت میزهای دکوری خارج شده و همراه عروسک‌گردانش به کوچه و خیابان می‌رفت.

داستان‌های خواهر و برادری

«هادی و هدی» یکی از قدیمی‌ترین مجموعه‌های عروسکی تلویزیون است که برای بچه‌های دهه ۶۰ تبدیل به نوستالژی شده است. عروسک‌هایی که در مقابل یک پرده سیاه و تاریک نقش‌آفرینی می‌کرد. طراحی آنها به گونه‌ای بود که بدون این‌که دهان‌شان باز شود، صحبت کرده و چشم‌های‌شان هم بی‌حرکت بود. گاهی نخ‌هایی که به دست‌شان بود هم به‌وضوح دیده می‌شد. با این حال به عروسک‌های محبوب ما تبدیل شده بود. در کنارشان خانواده‌ای بود که شامل پدر و مادر و مادربزرگ می‌شد و هر کدام‌شان از تجربیاتش برای تربیت بچه‌ها استفاده می‌کرد.

لاکی جون باهوش

تنها لاکپشت عروسکی که در برنامه‌های کودک حضور داشت و با شیطنت‌ها و بازیگوشی‌هایش بچه‌ها را پای تلویزیون می‌نشاند، «لاکی جون» یک لاکپشت باهوش بود. البته به طور دقیق‌تر این عروسک یک تن‌پوش بود که بسیار ورجه وورجه می‌کرد. همین شیطنت‌هایش باعث شده بود که محبوب بچه‌ها شود.

عروسک‌های دهان گشاد

خاطرتان هست «هاچین واچین» دو عروسک دهان گشادی بودند که زیر دست‌هایشان نخ‌هایی داشت که عروسک گردان‌ها با استفاده از آن نخ‌ها، حرکت‌شان می‌دادند؟ عروسک‌هایی که هر بار داستان‌ها و ماجراهایی را خلق می‌کرد. یک پستچی هم داشت که اکبر عبدی نقش آن را بازی می‌کرد.

سیما

بچه‌های رنگین کمان

بچه‌های دهه ۸۰ عروسک‌های مشهور و محبوبی در برنامه‌های مورد علاقه‌شان داشتند. عروسک‌های «چرا» و «چیه» که در برنامه تلویزیونی «رنگین کمان» متولد شدند. «چرا» عروسک اسفنجی کوچکی بود که گوش‌های بزرگی داشت و لبش همیشه خندان بود و سرودهای بسیاری هم در برنامه می‌خواند که ورد زبان بچه‌ها شده بود. جالب این‌که موهای این عروسک شبیه علامت سؤال بود. او خیلی زود توانست محبوب بچه‌ها شود. چرا، با سرودهایش نکات مهمی را به بچه‌ها آموزش می‌داد. البته بعد از مدتی عروسکی به نام «پنگول» جای آن را در این برنامه گرفت و بین بچه‌ها محبوبیت هم کسب کرد اما سرودهایی که چرا می‌خواند و ویژگی‌هایی که این عروسک داشت، بیشتر مورد توجه بچه‌ها قرار گرفت.

کیوآرکد را اسکن کنید

قاب

ترسناک‌های دوست‌داشتنی

«کاش‌وکاشکی» را می‌توان اولین عروسک‌های ترسناک تلویزیون دانست که در ژانر فانتزی در دهه ۷۰ ساخته و پخش شد. فصل دوم این مجموعه نیز به نام «سرزمین آرزوها» بعد از پنج سال وقفه در سال ۱۳۸۰ جلوی دوربین رفت و در تیرماه سال ۱۳۸۵ از شبکه اول سیما پخش شد.

داستان از جایی آغاز شد که سعید در انباری خانه، جعبه‌ای را حاوی موجودی جادویی به نام «کاشکی» پیدا کرد. عروسکی عجیب که شبیه مردی کوتوله است با ابروهای پیوسته و کلاهی بر سر. کاشکی، آرزوهای سعید را برآورده می‌کرد. آرزوهایی خام که برآورده‌شدن‌شان به ضرر او بود و باعث تنبیه او می‌شد. این عروسک در عین چهره نه‌چندان جالبی که داشت اما جزو عروسک‌های خاطره‌انگیز ما محسوب می‌شود.

درواقع هریک از مجموعه‌های عروسکی بر مبنای اهدافی روانه آنتن شد تا بتواند مباحث مختلف را به بچه‌ها آموزش دهد. ضمن این‌که آنها را سرگرم کند. فصل دوم این مجموعه هم ساخته شد. داستان فصل دوم هم درباره زنی (شراره رخام) است که جاسوس بوده و به کمک ابزار پیشرفته‌ای که با خود از آن سوی مرزها آورده، به دنبال مدال هیولای آتش و تاریکی است.

ویژه

عروسک‌های پرسشگر

من کارم/ بازو و نیرو دارم/ هر چیزی رو می‌سازم/ از تنبلی بیزارم/ اسم من اندیشه/ به کار میگم همیشه/ بی‌کار و بی‌اندیشه/ چیزی درست نمی‌شه/ ما کار و اندیشه با هم هستیم همیشه/ بی‌کار و اندیشه چیزی درست نمیشه و ... همه بدون تردید وقتی این موسیقی را بشنوند به یاد برنامه عروسکی «کار و اندیشه» خواهند افتاد. این مجموعه پر از خاطرات مختلف برای کودکان است. «ماجراهای کار و اندیشه» دو عروسکی که مانند نام‌شان پرکار و فعال بود. هنوز هم وقتی نام این مجموعه به میان می‌آید، موسیقی تیتراژش در ذهن تداعی می‌شود. «بی‌کار و اندیشه چیزی درست نمیشه» این مهم‌ترین پیام اخلاقی این مجموعه بود که به بچه‌ها منتقل می‌شد. طراحی عروسک‌ها هم به گونه‌ای بود که تصور می‌شد چهره این دو عروسک مملو از پرسش است. کار و اندیشه نماینده بچه‌های آن روز بود که ذهن پرسشگری داشت و همه چیز برای‌شان تازه و سؤال‌برانگیز بود. در نهایت هم به این نتیجه می‌رسید که هر دو در کنار هم می‌تواند موفقیت کسب کند. در مجموع این برنامه به بچه‌ها یاد می‌داد که چطور موفق شود.